مکعب سفید

روایتی از انتخاب عنوان «نگارخانه»

چگونه گالری، «نگارخانه» شد؟

صادق تبریزی
پیشکسوت نقاشیخط

■ در تیرماه ۱۳۵۲ نگارخانه ۶۶ با مجموعه شخصی از ۲۰۰ اثر نفیس پشت شیشه قاجاری و ۵۰ اثر قهوه‌خانه (شاهکارهای قولر و مدبر و بلوکی‌فر) در سه طبقه افتتاح شد و به مدت یک سال جهت بازدید ادامه داشت.

قبل از افتتاح نگارخانـه، نام آن را به جای گالری به ثبت رسـاندم و طی اظهارنامه‌ای به تاریخ ۵۲/۱/۱۵ به اداره ثبت شرکت‌ها به عنوان ثبت علایم بازرگانی تسلیم شد و متعاقب آن موضوع ثبت در روزنامه رسمی کشور در ۵۲/۲/۱۳ به چاپ رسید. این مسیر متداول اداره ثبت شرکت‌هاسـت تا اینکه اگر معترضی باشد مطلع شده و از ثبت‌نام جلوگیری کند. ولی بدون هیچ‌گونه معارضی این نام به ثبت رسید و اداره ثبت شرکت‌ها نامه‌ای کتبا حاوی اجازه استفاده از این واژه را به من اعطا کرد. در این فرصت قانونی هیچ‌کس در مقام اعتراض برنیامد. نمایشگاه تشکیل شد و استقبال بی‌نظیری از جانب دوستداران هنر عامیانه به عمل آمد. سال ۵۳ مصمم شدم مجوز گالری را از وزارت فرهنگ و هنر دریافت کنم. بنابراین نامه‌ای به عنوان مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی به شورای‌عالی وزارت فرهنگ و هنر ارسـال کردم. پاسـخ این نامه در ۵۳/۵/۵ به دسـت من رسید که خاطرنشان کرده بود از طرف کمیسیون مربوطه تصمیم گرفته شده از این پس به تمامی گالری‌های هنری به‌طور اعم «نگارخانه» گفته شود، بنابراین لازم اسـت نام دیگری برای خود انتخاب کرده و به این مرکز اعلام کنید تا در شـورا مطرح شود. پاسخی بود دندان‌شـکن و غیرمنتظره در حالی‌که این سوال پیش رو بود که چرا مقامات فرهنگ و هنر تاکنون بـه این فکـر نبوده‌اند و حال که ایـن واژه به کار گرفته شده مرا مکلف می‌کنند نام دیگری انتخاب کنم. وزارت فرهنگ و هنر می‌توانست ضمن ارج نهادن به این انتخاب شایسـته و ضمن قدردانی از انتخاب‌کننده آن، بخواهد کلمه «نگارخانه» مورد استفاده عموم قرار بگیرد. اما شورا از موضع قدرت وارد شـد و در مقام تعیین تکلیف برای من برآمد که با عکس‌العملی مشابه روبه‌رو شد. این نامه که از طرف ذبیح‌الله صفا دبیرکل شورای‌عالی فرهنگ و هنر امضا شده بود، با نامه‌ای به مرکز مطالعات فرهنگی به همان سبک و سیاق خودشان مواجه شد که مستخدم گالـری از طرف مدیر نگارخانه زیر آن نامه را امضا کرده و برای شـورا ارسال کرده است. مضمون نامه چنین بود: «نظر به اینکه نام نگارخانه با مطالعه کامل انتخاب شده و مورد تایید اعضای آن شورا نیز قرار گرفته، از طرفی در اداره کل ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده، مقتضی است به

اعضای کمیسـیون بفرمایید جهت اطلاق به گالری، نام دیگری انتخاب کنند.» چند روز بعد شـخصی تلفنی و بسـیار ملایم از من دعوت کرد که درباره این موضوع به وزارت فرهنگ و هنر رفته و با مسوولان مربوطه گفت‌وگو کنم. هنگامی که به واحد تعیین‌شده قدم گذاشتم با رفتار خشن و سرسخت آن مسوول روبه‌رو شدم و مشخص شد که دعوت تلفنی با بیانی دوستانه به این مناسبت بوده که مرا به آنجا بکشانند زیرا میزبان من بدون مقدمه و با تغییر به شرح داستانی پرداخت که شخصی به یک روستا وارد شد و چند روزی در آن حوالی دفع وقت کرد تا اینکه به ارباب ده خبر ورود او داده شـد. ارباب دستور داد تا مرد غریب را نزد او بیاورند. آنگاه دلیل آمدنش را به این روستا جویا شد. درویش پوسـتینش را جلو ارباب پهن کرد و گفت ده شـما را دوست دارم، چنانچه رخصت دهید، به اندازه این پوستین از اراضی ده به من عطا کنید یک عمر دعاگوی شـما خواهم بود. اربـاب که از صدق گفتار او و مناعت طبعش به وجد آمده بود، گفت: «ای مرد ناشناس پوسـتینت را هر کجای ده که دوست داری بگستران.» آن‌گاه درویش پوسـتین خود را به صورت رشته نازکی درآورد و دور تـا دور ده را محصـور کرد. میزبان من این داسـتان کهنه و تکراری را بـا آب و تاب تمام و با لهجه غلیظ بیان می‌کرد و با تمسخر و کنایه مرا متهم می‌کرد که نام «نگارخانه» را با اشـتهای تمام بلعیده‌ام. سخنان او بـه قدری گسـتاخانه بود که از در خارج شـدم و در، به سختی به چارچوب اصابت کرد به طوری که انعکاس آن در کریدور پیچید. دو هفته‌ای گذشت تا اینکه مامور دادگسـتری برگ اخطاری مبنی بر حضور در دادگاه به دست من داد. در دادگستری، قاضی پرونده شاعر مشهور «ادیب برومند»، به من گفت: «نگارخانه اسم عام است و مسـوول ثبت وارد نبوده، زیرا اسم عام قابل ثبت کردن نیسـت چون متعلق به عموم مردم اسـت. ما می‌توانیم ضمن توبیخ و برکناری این مامور، ثبت انجام‌شده را نیز باطل کنیم. سپس ادامه داد که من اینجا نشسته‌ام تا تو را محکوم کنم ولی چون هنرمند هستی و حرمتی داری پیشنهاد من این است که بروی و با وزارتخانه کنار بیایی زیرا پافشـاری روی این موضوع به محکومیت تو منجر خواهد شد. از ادیب برومند خداحافظی کردم و یک‌راست رفتم سراغ خانم سیحون. سیحون گوشی را برداشت و شماره مستقیم پهلبد را گرفت و بدون مقدمه با صدای بلنـد و گویش مخصـوص خود او را مخاطب قـرار داد. سرانجام ابتدای شهریور ۵۳ نامه‌ای از شورا به دست من رسید که دعوتی بود برای پاره‌ای مذاکرات. در این جلسه قرار شد واژه «نگارخانه» به جای گالری حفظ شود و نامی برای آن انتخاب کنم که شـماره ۶۶ پلاک ساختمان به عنوان نام نگارخانه به شورا اعلام شد.

رییس کرسی نقاشی فرهنگستان هنر قزاقستان:

ایران در هنر مدرن بسیار پیشرفت کرده است

مولود زندی‌نژاد

فرهنگسـتان هنر ایران و قزاقستان در سال ۱۳۸۸ برای ارتباط فرهنگی و هنری دو کشـور با یکدیگر تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند و در راسـتای اجرایی شدن مفاد و اهداف این تفاهم‌نامه از بولات تورغون‌بای، هنرمند نقاش، عضو و رییس کرسی نقاشی فرهنگستان هنر قزاقستان دعوت شـد برای برگزاری نشست تخصصی «بررسـی هنر قزاقستان و آسـیای میانه» و «برپایی کارگاه هنری» در این فرهنگسـتان به تهران سـفر کند. بولات تورغون‌بای متولد ۱۹۶۰ میلادی است و تحصیلات آکادمیک خود را تا درجه دکترا در رشته نقاشی در دانشگاه ملی هنر گذرانده. او تاکنون در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی زیادی در کشورهای روسیه، چک، آلمان، هلند و سوییس شرکت کرده است.

■■■

◄ درباره چگونگی فعالیت فرهنگستان هنر ملی ژورگن‌اف قزاقستان و عمر این فرهنگستان توضیح دهید.

این فرهنگستان در گذشته دانشگاه هنر بود و فعالیت‌های خـود را در قالب یک دانشـگاه انجام می‌داد. پس از اسـتقلال قزاقستان این دانشگاه به فرهنگستان هنر ملی قزاقستان تغییر کرد و فعالیت‌های خود را بر اساس فرهنگ ملی و بومی خود بنا نهاد. در واقع این فرهنگستان یک مرکز آکادمی و علمی درباره هنر ملی قزاقستان است. تا قبل از استقلال تمامی هنرهایی که در این مرکز آموزش داده می‌شد بر اساس هنر شوروی سابق و روسیه بود و استادان آن نیز فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شوروی سابق بودند اما با تشکیل فرهنگستان هنر ملی این سیاست تغییر کرد و در حال حاضر از فارغ‌التحصیلان ممتاز این فرهنگستان برای آموزش استفاده می‌شود.

◄ فرهنگسـتان ملی قزاقسـتان در چه رشته‌های هنری فعالیت دارد؟

به جز رشته موسیقی که خود دارای دانشگاهی خاص است، می‌شـود گفت در تمام زمینه‌های هنری از قبیل تئاتر، نقاشی، سینما، مجسمه‌سازی، هنرهای دستی و بومی و... فعالیت دارد. اخیرا نیز در حال راه‌اندازی رشته چندرسانه‌ای و مولتی‌مدیاست که به دلیل آشنایی اکثر دانشجویان با رایانه و فضاهای مجازی صورت می‌گیرد.

◄ شـرایط پذیرش دانشـجو در این فرهنگستان چگونه است و تا چه مقطعی می‌توانند ادامه دهند؟

ایـن فرهنگسـتان به صورت بورسـیه در سـه مقطع لیسـانس، کارشناسی ارشد و دکترا دانشجو می‌پذیرد. اگر کسی بخواهد در مقاطع هنری ادامه تحصیل دهد از ۱۵-۱۴ سـالگی به مدارس هنر می‌رود سپس در کالج‌ها ادامه تحصیـل داده و اگر بتواند رتبه ممتازی را کسـب کند، از طریق کمیسیونی که در این فرهنگستان تشکیل می‌شود انتخاب شده و به صورت بورسیه می‌تواند ادامه تحصیل دهد.

◄ آیا پذیرش دانشجویان خارجی هم در این فرهنگستان به صورت بورسیه امکان‌پذیر است؟

خیر، این فرهنگسـتان دانشـجویان خارجی را برای ادامه تحصیل در این فرهنگسـتان می‌پذیرد ولی بورسیه فقط برای دانشجویان قزاقی است. فرهنگستان ملی با سایر کشورهای غربی و آسـیایی دارای همکاری‌هایی در زمینه تبادلات دانشجویی و اسـتادان اسـت و بسـیار علاقه دارد تا این تبـادلات در میان دانشجویان ایرانی و قزاقی هم صورت پذیرد.

◄ تاثیر فرهنگسـتان هنر قزاقستان در هنر این کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تـا قبل از تشـکیل این فرهنگسـتان، تمامـی هنرمندان با تاثیر از مکاتب هنری که در شـوروی بـود آثار خود را خلق می‌کردند. به همین دلیل هنرهای ملی و بومی ما کم‌کم در حال اضمحلال بود. این فرهنگستان با دستور رییس‌جمهور قزاقستان تاسیس شد و رییس آن نیز منتخب رییس‌جمهور وقت است. فرهنگسـتان ملی با هدف احیای هنرهای سنتی، بومی و ارج نهادن به هنرمندانی که در این زمینه فعالیت دارند شکل گرفته اسـت و با تربیت هنرمندانی که به خلق آثار هنری قزاقسـتان می‌پردازند به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

◄ اگر دانشـجویی بخواهد در زمینه هنرهای غربی، شرقی یا روسی آثاری پدید آورد اجازه فعالیت در این فرهنگستان را دارد؟

عکس: شرق

تا قبل از استقلال قزاقستان تنها الهام از مکاتب هنری روسیه مبنای آثار هنری بود اما در سال گذشته که بیستمین سالگرد اسـتقلال را جشن گرفتیم، تصمیم بر آن شـد در زمینه هنر ملـی خود تمامی تلاش را به کار برده و در این زمینه به دلایل اشتراکاتی که با کشورهای اسلامی داریم از آنها الگو بگیریم.

بنابرایـن در حال حاضر، در این فرهنگسـتان به آموزش و تشریح سـایر مکاتب هنری غرب و شرق نیز پرداخته می‌شود تـا بتوانند به صورت تئوری نیز اطلاعـات هنری خود را با هنر روز دنیا افزایش دهند اما سوق دادن آنها به هنر ملی و بومی و تشویق آنها برای پدید آوردن آثاری که برگرفته از فرهنگ قزاقی باشد، وظیفه فرهنگستان هنر ملی قزاقستان است. ما به عنوان کشوری استقلال‌یافته که دارای پیشینه تاریخی غنی هستیم، علاقه‌مندیم تا فرهنگ خود را احیا کنیم.

◄ آیا منابعی که در این فرهنگستان ملی تدریس می‌شود بر اساس هنر بومی انتخاب می‌شود؟

منابع متعلق به قزاقسـتان بسیار اندک است و متاسفانه به دلیل عمر کوتاه فرهنگستان ملی قزاقستان که نزدیک به دو دهه می‌رسد این فرهنگستان تاکنون نتوانسته منابع و کتب زیادی بر اساس هنر ملی منتشر کند، اما از دو سال پیش نشر کتب هنری در دستور کار قرار گرفت و تاکنون چند عنوان کتاب نیز در این زمینه منتشر شد که قرار است به تدریج، افزایش یابد. به همین دلیل در حال حاضر هنوز هم از کتاب‌ها و منابعی که از فرهنگ روسی برگرفته است، استفاده می‌شود.

◄ آیا با فرهنگ و هنر ایران قبل از سفرتان آشنا بودید؟

من کتاب‌های زیادی درباره هنر شرق و ایران خوانده‌ام و در موزه لوور نیز به تماشای آثار ایرانی رفته و عظمت تمدن ایران را در آن آثار مشاهده کردم. ضمن آنکه تشابهات بسیاری را در زمینه فرهنگ و هنر میان ایران و قزاقستان خصوصا در دوره‌های هخامنشی و ساسانی یافتم. تا قبل از سفر به ایران فکر می‌کردم که آثار ایران بیشتر در زمینه صنایع دستی و هنرهای مربوط به گذشته است اما با بازدید از گالری‌ها متوجه شدم که ایران در هنر مدرن نیز بسیار پیشرفت کرده و علت هم همان پایه و مایه‌ای است که گذشته ایران را تشکیل می‌داده است.

◄ در این سفر چه هنری مورد توجه‌تان قرار گرفت؟

آن چیزی که من در صنعت سرامیک ایران دیدم بسیار مورد توجهـم قرار گرفت و اعتقاد دارم قزاقسـتان می‌تواند در زمینه سـرامیک از ایران الگو بپذیرد. ما در زمینه صنایع دستی بسیار علاقه‌مندیم تا با سایر کشورها ارتباط برقرار کنیم و همان‌طور که قبلا اشاره کردم به دلیل تشابهات فرهنگی، الگوهای کشورهای شرق و اسلامی در این زمینه به ما کمک خواهد کرد.

◄ ارزیابـی و دیدگاه‌تان نسـبت به نقاشـی ایران چگونه است؟

«هنر» در هر جای دنیا که باشد پویاست اما رشد و توسعه هنر در برخی از کشـورها با سرعت و در بعضی دیگر به کندی پیش می‌رود. می‌شود گفت این توسعه در ایران بسیار خوب به چشم می‌خورد خصوصا نقاشی، خوشنویسی و نگارگری بسیار پیشرفت کرده است. قبل از ورود به ایران طبق شنیده‌هایم فکر می‌کردم انتخاب موضوع برای دانشجویان ایرانی آزاد نیست ولی پس از بازدید از پردیس هنر دانشگاه تهران متوجه شدم که آنها در انتخاب موضوعات خود بسیار آزادانه عمل می‌کنند.

◄ در دیدار از کارگاه‌های نقاشی پردیس هنرهای دانشگاه تهران چه تفاوت‌هایی را در روش آموزش هنر این دو کشور احساس کردید؟

در مشـاهدات خود متوجه شـدم، در روش آموزش در برخی مسـایل شباهت و در بعضی دیگر تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان نمونه در آموزش نقاشـی در سـال‌های اول و دوم در قزاقسـتان به فیگور انسـان توجه می‌شود و علت نیز به دلیل درک آناتومی انسـان است بعد درباره لباس آن فکر می‌کنیم. اما در آموزش نقاشی متوجه شدم که بیش از آناتومی به ظاهر انسان توجه می‌شود. نقاشان قزاقی بیشتر به فیگور انسـان توجه دارند و سال اول و دوم آن را می‌آموزند، ولـی در ایران به ظاهر انسـان توجه می‌کنند و در انتخاب موضوع آزاد هسـتند. این ممکن اسـت تفاوت بین روش آموزش نقاشان دو کشور باشد.

کرباس خاکستری

نمایشگاه مشترک هنرمندان ایران و کره در سئول

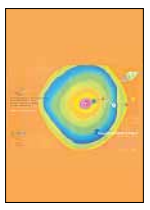

■ **شرق:** نمایشـگاه بزرگ آثـار هنرمنـدان ایـران و کره به همراه چهار کشـور دیگر آسـیای میانه روز دوم فروردیـن همزمـان نوروز ۱۳۹۱ در مرکـز آرکـو در شـهر سـئول کره‌جنوبـی برگزار شـد. جمشـید حقیقت‌شناس با اشـاره به این مطلب گفت: این نمایشگاه که آثاری از هنرمندان ایران را هم شـامل می‌شود در نتیجه سفری است که آذرماه امسـال یک گروه کره‌ای به ایران سـفر کردنـد و آثار مشترکی را در ماسوله از طبیعت ایران به وجود آوردیم. حقیقت‌شناس در ادامه افزود: این نمایشگاه به غیر از آثار هنرمندان ایران؛ آثار هنرمندان پنج کشـور را از آسیای میانه دربرمی‌گیرد که نتیجه سـفر این گروه کره‌ای به کشورهایی چون مغولسـتان، چین، ایران و... است که مانند برنامه‌ای که در ایران داشـتند، آثار مشترکی را با هنرمندان این کشـورها به وجود آورده‌اند. مدیر سابق انجمـن هنرمندان نقاش ادامه داد: آثار این نمایشـگاه نقاشی، چیدمان و دیگر رسـانه‌های هنری است که با گرایش طبیعت و هنر محیطی آفریده شده‌اند. وی که ازجمله هنرمندانی بود که در ماسوله هنرآفرینی کرد، در ادامه گفت: این آثار در اصل تاثیر هنرمند از طبیعت و بر طبیعت محسوب می‌شود که تعدادی از آثار این برنامه مشترک، در خانه هنرمندان یک‌بار به نمایش درآمد اما در سئول تمامی آثار این هنرمندان به نمایش درخواهد آمد. حقیقت‌شناس درباره اثری که در این نمایشگاه ارایه کرده، گفت: در این نمایشـگاه اثری چیدمان با موضوع طبیعت را ارایه خواهم کرد که روی دو نیمکت از طبیعت نقاشی کشیده‌ام که نمایانگر صحبت و گفتمان بین ایران و کره اسـت. مرکز آرکو در شهر سئول به عنوان محل برگزاری نمایشـگاه‌های هنر معاصر است که به دنبال برنامه تبادل فرهنگی هنرمنـدان ایرانی و کره‌جنوبی توسـط مرکز آرکو پیش‌بینی شـد و با همکاری مرکز بین‌المللی آموزش برای تفاهم بین‌المللی (Apceiu)، کمیسـیون ملی یونسـکو در ایران، فرهنگستان هنر جمهوری اسـلامی ایران و خانه هنرمندان انجام شـد. هنرمندان کره‌جنوبی شـامل کو سـیون هیون، وون گیل، کانگ هو و خانم‌ها شـین جونگ، آن ژونگ هی و زی سوک بودند، هنرمندان ایرانی نیز شامل جمشید حقیقت‌شناس، صادق میری، سـعید محمودی‌ازناوه، نوشین نفیسی، دارا افشار قوچانی، احمد نادعلیان، پیروز ارجمند، محبوبه الهی، فرشته عالمشاه، شهناز زرکش، طاهره گودرزی، محمود مکتبی و عاطفه خاص بودند.

اولین مشارکت مردمی در یک پروژه مفهومی

«خانه‌تکانی» در گالری «ایست»

علیرضا امیرحاجبی: حال می‌توان امیدوارانه به روند رو به رشـد هنرهای بصری و تجسمی نگریست. گذاره فوق کمی ناگهانی به نظر می‌آید اما نسبتا منطقی، واقعی و بر مبنای داده‌های روزانه‌ای است که منتقدان هنری آنها را رصد می‌کنند. ارتباط با مخاطب، فهم و درک عامه مردم از هنر، این آرزوهای همیشگی جامعه بزرگ هنر ایران و جهان از صدها سال پیش تا به امروز بوده است. چگونه می‌توان مردم را به رفتن و بازدید از یک نمایشگاه تشویق و ترغیب کرد؟ چگونه می‌توان شـکاف و گسست تاریخی و عمیق هنرهای تجسـمی با مردم را کمتر کرد تا به این وسـیله باعث ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ عمومی شد؟ بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان نظریه‌های ریز و درشتی در این مورد صادر کردند و گاه کل این نیاز را به زیر سوال بردند. یعنی گویا آنها لزومی نمی‌دیدند یا نمی‌بینند تا هنر زبانی همگانی پیدا کند. بسیاری از این نظریه‌ها تا سرحد نظریه باقی ماندند و هیچ راهکار عملی و قطعی برای احداث پل میان مردم و هنر ارایه نشد، البته وظیفه اندیشمندان ارایه راه‌حل‌هـای عملی نبوده و نیسـت. اما با درخشش و ظهور ناگهانی هنرهای معاصر پس از جنگ جهانـی دوم در آمریکا و به میدان آمدن نهضت‌هایی چون پاپ‌آرت و پس از آن هنرهای مفهومی و جنبش‌هایی مثل فلاکسوس، به تدریج بشارت‌هایی در زمینه حل بن‌بسـت ارتباطی هنر و مردم شنیده و احساس شد. هنرهای مفهومی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ توانست حداقل مبانی و گرامر ویژه‌ای جهت ارتباط با مردم تدوین کند و آن پیش کشیدن موضوع فرهنگ عمومی و زندگی روزمره بود. مقولاتی سـال‌ها پیش از آن در مبانی نظری و کلینیکال فروید، روانکاو بزرگ اتریشـی شـنیده شده بود. هنرمندان مفهومی این سر نخ را محکم چسبیدند و با شـجاعت و پرخاش بی‌نظیری بـه راه خود ادامه دادند. در نگاهی کلی موقعیت هنرهای مفهومی به نسبت سایر هنرها قابل قبول‌تر اسـت. تلاش هنرمندان مفهومی در ایران نیز در چند سـال گذشـته افزایش بیشتری یافته اسـت، گویا بخش خصوصی و به‌ویژه مدیران گالری‌های تهران عدم‌توانایی هنر مفهومی در زمینه مالی- اقتصادی را پذیرفته‌اند. تا همین سـه یا چهار سـال گذشته کمتر می‌شـنیدیم که یک گالری پذیرای پروژه‌ای مفهومی از هنرمندی جوان و جویای نام باشد. اما امروز شاهد برپایی تعداد قابل توجهی از نمایشگاه‌های مفهومی در گالری‌های معتبر تهران هستیم. این از پیشرفت‌های شگفت‌آور حوزه مفهومی است. موقعیت فعلی از آن جهت جالب توجه است که بازار هنر تجسـمی رونق سـال‌های پیش را نداشته و بروبیای پرسـروصدای کریستی و یونامز ناگهان فروکش کرده اسـت و از طرف دیگر گرانی و تورم در جامعه نفس عموم مردم را تا حدودی بند آورده اسـت. در همین زمان تعداد نمایشگاه‌های بدون درآمد یا کم‌درآمد مفهومی در قالب‌های چیدمان، ویدئو و پرفورمنس افزایش یافته است. اخیرا گالری ایست تهران میزبان پروژه‌ای مفهومی و جالب توجه بود به نام «خانه‌تکانی». رویدادی که هر ساله در خانه هر ایرانی اتفاق می‌افتد و همه اهالی خانه را مشغول می‌کند. خانه‌تکانی در فرهنگ عمومی ایرانیان یعنی اسـتقبال از بهار. نشانه برای پروژه کوتاه‌مدت تحول یک‌ساله. امیر راد، طراح و برگزارکننده این پروژه هدف اصلی خود را در زمینه نمایشگاه «خانه‌تکانی» این‌گونه بیان می‌کند: «جلب توجه مردم به آثار تجسمی تا بر این اساس به اهمیت هنر واقف‌تر شوند.» البته او در کنار این هدف توجه و تمرکز بر فرهنگ عمومی جامعه را نیز در نظر دارد. پروسه «خانه‌تکانی» از یک فراخوان آغاز شد؛ فراخوانی جهت دعوت به دوباره نگاه کردن به اطراف، دقت کردن به آثار تجسـمی که در خانه هر کدام از شـهروندان یا به دیوار آویزان است یا در گوشه ایستاده. منظور از این فراخوان تمیزکاری و گردگیری نبود بلکـه بالاتر از آن مرتبط کردن هر شـهروند با اثر هنری، با هنرمنـدان و در نهایت با یک گالری هدف قرار گرفت.

بـه قول امیـر راد: «قدمـی کوچک برای آشـنایی و قـرار دادن یک اثـر هنری در سبد فرهنگی خانواده‌های ایرانی.» در این پروژه چند گزینه پیش روی ماست، آنگاه که می‌خواهیم در آن شـرکت کنیم: اول مایل هسـتیم که فلان تابلو یا مجسمه را دیگر نبینیم. می‌خواهیم به نحوی از شـر آن خلاص شـویم. دومیـن گزینه که در فراخوان ذکر شـده بود «تعویض» یک اثر با اثر دیگر است و سومین گزینه فروش آن است. راد در این زمینه می‌گوید: «چیزی حدود ۱۴۰ اثر در گالری جمع شد. خیلی‌ها گزینه اول را انتخاب کرده بودند یعنی دور انداختن اثر. ما خواستیم که آثار دوراندختنی در گالری رها شود و نه در کنار یک سطل زباله» و جالب توجه اینکه همین آثار دورریختنی توسط سایر مخاطبان گالری انتخاب و به خانه‌هایشان منتقل شد. این پروژه مفهومی و مردمی که قابلیت گسـترش و تکرار در سال‌های آینده را نیز دارد و زبانی جدید، شـیرین و جالب توجه را جهت ارتباط عموم شـهروندان با موضوعـات هنری ابداع کرده است. اما جای شگفتی اسـت که هیچ‌کدام از هنرمندان صاحب‌نام و برجسته ایرانی در آن شرکت نکردند! به گفته راد که خود مدرس هنرهای معاصر است و در لندن اقامت دارد استقبال از پروژه کاملا مطلوب بوده و بسیاری از آثار در همان روز اول از کف نمایشـگاه جارو شده است. ایده او در مجموع توانسـت ذهن و توجه تعدادی از مخاطبان رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی را به پروژه جلب کند اما فراخوان آنچنان گسترده نبود تا طیف وسیع‌تری را پوشـش دهد. در چنین موقعیتی است که نقش رسانه به عنوان عنصر چهارم یک پروژه مفهومی در کنار عناصر دیگر چون گالری، طـراح و اجراکننده پروژه و مخاطبان مشخص می‌شود.

جدول ۱۴۶۹

افقی:
۱- مفهوم‌هـا- شـعری روان ۲- جمع فنی- سم‌ها- فیلمی به کارگردانی محمد درمنش ۳- شیرینی‌تر- همدم، یار- عملیات جنگی آزمایشی ۴- نوعی پخت برنج- ممکن است- ایستگاه فضایی روسیه- نشانه جمع ۵- روشندل- کشتارکننده ۶- نوعی بازی برای سنجش مهارت در هدف‌گیری- دردمنـدی- حرف هشـتم لاتین ۷- مـادر عرب- از دشمنان رسـتم- شیره چغندر قند ۸- دروغ بستن- خبر شـادی ۹- یراق- سـرزنش شـده - کجاست؟ ۱۰- همسر اسکارلت- بزرگتر- بار درخت ۱۱- بازدید و رسـیدگی- نگهبان راه ۱۲- صد متر مربع- صدای افسوس- درنگ- سنگ آزمون ۱۳- مولد الکتریسیته- مار سـمی خطرناک- خاموش ۱۴- راه یافتن- انجام پذیر- نیکوکاران ۱۵- یکی نه یکی- دانشمند ایرانی نویسنده آثارالباقیه

عمودی:
۱- تنها، مجرد- خشک- مهر معروف ۲- پدیده- بزرگ‌تر- خطرپذیری ۳- یکـی از آثار هومر- اسـب کوتوله- برنامه ورزشـی ۴- داغ خارجی- عضو آجیـل - پایان‌ها ۵- پول ژاپن- با حلاوت- خاموش ۶- بالا پوش خانم‌ها- از پادشاهان ساسـانی- چیز ۷- پروتئین گیاهی- لجاجـت- همراه ناز ۸- خودرو وطنـی- پالس- از بت‌های معـروف جاهلیت- سرگرمی ۹- به قول شاعر یک‌بار بس است- سوره تعاون و همـکاری- چراننده گله ۱۰- تکیه- عالم و پیشـوای مذهبـی- برد معروف ۱۱- می‌آیم خودمانی- آشـکار- ویتامینی در روغن‌ها ۱۲- تبحر و استادی- دیده شده- گیاهی از تیره سوسن ۱۳- انجیر- خواب کودکانه- قبیله یمن ۱۴- ظرف چوبی گل کشی- یک چهارم چیزی- از صفات خدا ۱۵- آبادانی- پایه، رکن- همکار قوری

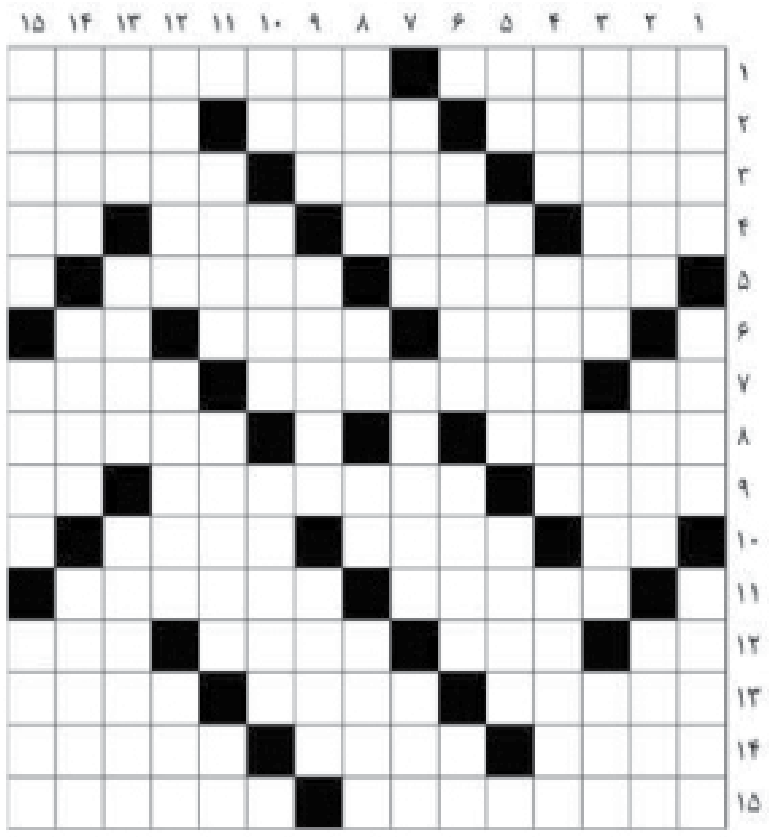

حل جدول ۱۴۶۸

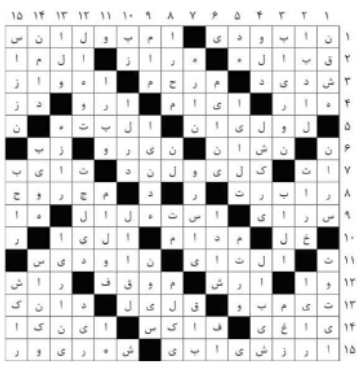

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۷۲

۷		۶		۳	۵	۴		
	۳		۱			۶		۲
۸			۶	۲	۹			
	۸		۴	۱				
۱						۹	۲	۵
۳			۵		۷			
		۸	۷	۵		۲		
۲		۷	۹		۱		۳	
۴	۹				۸	۵		۱

حل سودوکو ۴۷۱

۳	۸	۳	۵	۴	۶	۲	۱	۹
۱	۴	۷	۳	۹	۸	۲	۵	۶
۵	۶	۹	۲	۲	۱	۸	۳	۴
۶	۹	۵	۶	۲	۷	۱	۸	۳
۸	۳	۲	۱	۵	۴	۶	۹	۷
۶	۷	۱	۸	۳	۹	۴	۲	۵
۹	۵	۴	۷	۱	۲	۳	۶	۸
۷	۱	۶	۹	۸	۲	۵	۴	۱
۳	۱	۸	۴	۶	۵	۹	۷	۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۲۱

۷	۴	۲		۹				
	۹		۴				۸	
۵	۱					۴		
۴		۹	۳	۵				
۸	۲						۹	۷
		۷			۲	۶		۳
				۳			۷	۶
			۸		۶		۵	
			۱				۳	

حل سودوکو سخت

۷	۴	۲	۱	۹	۵	۳	۸	۶
۱	۹	۵	۴	۸	۷	۲	۶	۳
۶	۸	۳	۲	۶	۳	۱	۷	۴
۳	۵	۱	۹	۷	۲	۴	۲	۸
۲	۷	۶	۸	۳	۴	۹	۱	۵
۸	۳	۴	۶	۱	۵	۷	۹	۲
۴	۶	۹	۷	۲	۱	۸	۵	۳
۷	۱	۲	۳	۴	۸	۶	۴	۹
۹	۸	۸	۵	۶	۹	۳	۲	۷